

تبلور نظری و کاربردی علوم شناختی در روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی

عبدالله بهرامی¹

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد گرمسار، ایران

چکیده

کودکان استثنایی نسبت به همسالان عادی خویش از جنبه‌های شناختی، هیجانی، اجتماعی، حسی- حرکتی و عصب‌شناختی دارای تفاوت‌های کمی و کیفی مختلفی می‌باشند و چنین تفاوت‌هایی فرصت بی بدیلی را برای نظریه پردازی و بکار بستن و آزمونگری یافته‌های مطالعات علوم شناختی فراهم آورده است. کودکان استثنایی به عنوان یکی از گروه‌های هدف اصلی، مطالعات علوم شناختی و از مخاطبان ویژه کاربرد یافته‌های این حوزه می‌باشند و مرور پیشینه علوم شناختی نشان می‌دهد پژوهش بر روی آنها در پیدایش و گسترش ایده‌های نظری و کاربردی علوم شناختی جایگاه ویژه‌ای داشته است، به عبارتی گروه‌های مختلف کودکان استثنایی از جمله کودکان کم‌توان ذهنی (MR)، کودکان سرآمد و تیزهوش، کودکان دارای اختلالات ویژه یادگیری (SLD)، اختلالات طیف اتیسم (ASDs)، کودکان آسیب دیده شنوایی و بینایی و کودکان دارای اختلالات رفتاری هیجانی (EBD)، از جمله گروه‌های اصلی مطالعات شناختی بوده اند و برنامه های آموزشی و درمانی کودکان استثنایی نیز با یافته‌ها و پژوهش‌های علوم شناختی ارتباط قابل ملاحظه وسیعی دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت بین علوم شناختی و حوزه کودکان استثنایی تعاملی و منافع دوسویه برقرار گردیده است. هدف اصلی مقاله حاضر آن است که، ضمن بررسی توصیفی- تحلیلی پژوهش‌ها و فعالیت‌های تخصصی حیطه کودکان استثنایی از منظر علوم شناختی، جایگاه و ارتباط دوسویه علوم شناختی و روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی را مورد بررسی قرار داده و برخی از کاربردهای یافته‌های علوم شناختی در آموزش و توانبخشی کودکان با نیازهای ویژه را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: کودکان استثنایی، علوم شناختی، برنامه‌های آموزش ویژه، مداخلات درمانی کودکان.